

## جناب آقای آیت‌الله آملی لاریجانی

با عرض سلام

خداوند مظهر حقیقت است، حقیقت را دوست دارد و بیزار است از دروغ، زیرا تقوی فقط در حقیقت شکل می‌گیرد و نه در غیر آن، که خارج از حقیقت نه ایمانی است و نه تقوائی که در برابر چشمان ما ظاهر شود، انسان خداپرست و خداجو توانائی دیدن آن را دارد و می‌تواند آن را از باطل تشخیص دهد. تنها کسانی از دیدن حقیقت خوداری می‌کنند که به دلایلی از حقیقت می‌ترسند و برای از بین بردن آن توطئه می‌کنند.

(توضیح: نشر سرگشاده این نامه بدان معنی است که ارسال آن بر روی برگه‌های دولتی از طریق زندان انجام پذیرفته و مهلت تعیین شده در آن جهت رسیدگی سرآمده، و چون هیچ اقدام موثری از سوی جنابعالی در راستای تظلم خواهی اینجانب انجام پذیرفته و اصولاً وصول آن توسط جنابعالی تأیید نگردیده، چون طی مسیر قانونی گردیده و چاره‌ای دیگر جز انتشار این نامه دادخواهی و شکوائیه به صورت علنی و سرگشاده وجود نداشته، پس به آن اقدام گردیده است.)

این نامه تظلم خواهی بدان دلیل خدمت جنابعالی ارسال می‌گردد تا ضمن اظهار حقایق و بازشناساندن حق از باطل و راست از دروغ، شما را در راستای رسیدگی به حقوق پایمال شده و ظلمی که بمن روا شده یاری رساند، و با شناساندن ذات و ماهیت تبانی در پرونده اینجانب، طبق اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، از شما عاجزانه بخواهیم تا حق مسلم اینجانب در دادرسی مجدد را رعایت نموده و به شکایات وارده علیه

قاضی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، آقای صلواتی، وزارت اطلاعات و صدا و سیمای جمهوری اسلامی، که در یک تبانی آشکار و توطئه‌گرانه برای پنهان نگاه داشتن حقیقت و مسموم نمودن اذهان مسئولین و افکار عمومی، به گونه‌ای که دیگر نتوانند جمعیت را مشاهده نمایند. اقدام به زیر پا نهادن اصول ۲۳/۳۵/۳۸/۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی و در نهایت پایمال نمودن حقوق انسانی، اسلامی، قانونی و مدنی اینجانب نموده‌اند که طبق اصل ۱۸۱ قانون اساسی تقاضای جبران خسارت مادی و معنوی و اعاده حیثیت از خود و مجازات آمرین و عاملین را دارم.

تبانی، نه به‌عنوان فقدان دانائی، بلکه به‌عنوان عملی و تأثیر نیروئی شوم که سرچشمه آثار پلیدی و شریری است تا عقلهای ما را گمراه کند و در جانهای ما عادت مقاومت در مقابل حقیقت و معرفت تزییق کند، موضوع شکایت اینجانب می‌باشد. و در صورتیکه برای لحظه‌ای اعتماد بدان پیدا می‌کردم که این تبانی به دلیل آن صورت گرفته که داوران دادگاهها علم نامتناهی ندارند و ممکن است در مورد واقعیتها دچار اشتباه شوند، و اینکه عمل دادگری مطلق در هیچ مورد قضائی به صورت کامل تحقق پیدا نمی‌کند، و لذا پرونده اینجانب نیز ممکن است شامل موارد فوق باشد، هیچگاه اقدام به درج این نامه نمی‌نمودم و لذا اظهار می‌دارم نهادها و اشخاصی که مورد شکایت اینجانب واقع گشته‌اند ممکن است بدان‌گونه که آنها را پاک و خالص می‌پندارید چنین نباشد، و اعمال آنها ممکن است تا مقدار زیادی بر خاسته از انگیزه‌هایی باشد که به صورتی ناخودآگاه از امیدهای سیاسی و یا رویدادهای باطل سرچشمه گرفته است.

اکنون سکوت تلخ یکساله خود را می‌شکنم. شما را امر به معروف می‌کنم و در این  
حین خداوند متعال را گواه می‌گیریم که چیزی جز حقیقت بیان ننمایم و از دروغ و توهین  
بپرهیزم و در کمال حسن نیت اقدام به نگارش وقایع و شکوائیه تظلم خواهی خود  
می‌نمایم با امید به آنکه بدینسان نیز دریافت شود.

### **شرح وقایع**

در نیمروز ۶ تیرماه ۱۳۸۸ مأمورین وزارت اطلاعات اینجانب را در منزل مادری  
دستگیر و به بازداشتگاه مخوف ۲۰۹ وزارت اطلاعات واقع در زندان اوین منتقل نموده،  
در سلول انفرادی تنگ و کثیف ۱۰۵ که ابعاد آن ۲×۱/۵ متر می‌باشد. محبوس نمودند. ۴۳  
روز را در بدترین شرایط جسمی و روحی نگهداری، ضرب و شتم و فارغ از هرگونه حق  
و حقوق انسانی و مدنی، با چشم‌بند بازجویی نمودند. این بازجوییها تحت فشارهای  
شدید روحی و روانی، تهدید و ارعاب آمیخته با فریب و ریاکاری انجام پذیرفت و در آن  
سعی بر آن بود تا علیه خود و دیگران اقدام به اعترافات کذب نمایم.

برای نمونه، آنر درخواست مجدانه به اعتراف کذب علیه فرزندان یکی از رجال  
سیاسی که افتخار آشنایی با آنها را داشته و فشار در جهت اعتراف کذب به داشتن رابطه  
نامشروع با همسر مومنه و مکرمه یکی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی،  
داشتند گرچه در مقابل این خواسته‌های نامشروع و غیر واقع آنها مقاومت نمودم، اما  
فشارهای روحی وارده موجب خونریزی معده در اینجانب گشت که مدتها همراه با من  
بود.

گرچه از نظر اینجانب و باتوجه به اصل ۳۸ قانون اساسی، کلیه اعترافات تحت شکنجه و اجبار فاقد ارزش و اعتبار می‌باشد. اما توضیح در مورد آنها شما را به نحوه بازجوئیه‌ها در حین بازداشت متهم آگاه نموده، و لذا به درج آنها اقدام می‌نمایم.

بازجوییها بر فعالیتهای تبلیغاتی، انتخاباتی و تفتیش عقاید در مورد حمایت از کاندیدای ریاست جمهوری مورد نظر خود، که توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت گردیده بود، و نحوه انجام این فعالیتهای در راستای جذب آرای ایرانیان مقیم خارج از کشور، تمرکز یافت. این بازجوئیهها برخلاف اصل ۲۳ قانون اساسی با تفتیش عقاید و تهمت‌های ناروا و ارقائیات کذب همراه بود و به همراه آن، حقوق اساسی مندرج در اصل ۲۷ قانون اساسی در راستای شرکت در راهپیمائی مسالمت‌آمیز و اعتراض آمیز ۲۵ خرداد ۸۸ که در اعتراض به روند برگزاری و نحوه شمارش آرای انتخابات ۸۸، نحوه جهت‌گیری و عدم رعایت اصل به طرفی از سوی صدا و سیما حمایت غیرقانونی تعدادی از اعضای شورای نگهبان از یکی از نامزدها و ادبیات به کار رفته توسط کاندید پیروز در انتخابات شکل گرفت، رازیر سؤال می‌برد و سعی در پیوند آن با اغتشاشات خیابانی داشت.

سپس، سیاه نمائی بازجویان از گذشته پرافتخار اینجانب در دستور کار بازجوئیهها قرار گرفت که به نمونه‌هائی از آنها اشاره می‌کنم.

در وهله اول سالیان طولانی فعالیت مطبوعاتی و همکاری اینجانب با مجله معتبر تایم، با القای این پیش فرض غلطت و کذب، که مجله تایم در مالکیت پناگون می‌باشد و

توسط عوامل سیا گردانده می‌شد. و من، تنها با این پیش‌فرض، متهم به همکاری با سامازن اطلاعاتی آمریکا شدم؛ غافل از اینکه این مجله معتبر بیش از ۲۰ سال است که تحت مجوز وزارت ارشاد اسلامی دفتر فعال در ایران دارد و کلیه روسای جمهوری ایران، منجمله آقای احمدی نژاد، بارها با این مجله به مصاحبه نشست‌اند مجله تایم توسط شرکت نشر آوران متعلق به وزارت ارشاد در ایران پخش می‌شود.

پس از آن، فعالیت قانونی من به‌عنوان رئیس انجمن دوستی ایران و سوئیس که سازمانی غیردولتی است و تحت مجوز وزارت کشور جمهوری اسلامی به ثبت رسیده و فعالیت آن در راستای نزدیکی دو ملت ایران و سوئیس می‌باشد، سیاه نمائی شده به جاسوسی برای سوئیس متهم گشتم و این فعالیت که جهت جذب بورسیه‌های تحصیلی برای فرزندان این مرز و بوم برگزاری گردهمائی‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی و علمی، و با هماهنگی‌های قانونی و مندرج در اساسنامه انجمن، با سفارت سوئیس در تهران انجام می‌پذیرفت تحت این عنوان که کارکنان سفارت سوئیس در تهران جاسوسان آمریکا می‌باشند، به اتهام پراکنی‌های بدون ادله علیه اینجانب ادامه دادند.

اصولاً در دیدگاه بازجویان محترم، اینجانب از بدو تولد جاسوس آمریکا بوده و هستم آنها برای اثبات این اتهام نیاز به ارائه هیچگونه ادله، اسناد و مدارک نداشتند و تحصیلات عالی و اقامت طولانی در سوئیس و آمریکا تنها ادله فرضی و کذب آنها علیه اینجانب بود. اما به دلیل آنکه من در کلیه بازجوییها با صداقت به سؤالات شفاهی و کتبی

پاسخ گفته، و کلیه اتهامات واهی را با قاطعیت رد نموده، بازجویان بر فعالیت شرکت رسانه‌ای اینجانب در امارات متحده عربی متمرکز گردید.

شرکت تخصصی، رسانه‌ای اینجانب در دومی از شش سال بیش فعالیت خود را در زمینه راه‌اندازی پخش و پشتیبانی فنی کانالهای تلویزیونی بر روی ماهواره‌های عربی را آغاز نموده که بزرگترین افتخار آن تأسیس و راه‌اندازی کانال تلویزیونی کربلا، و وقف آن برای حرم مطهر امام حسین(ع) بوده است. این کانال به ترویج فرهنگ تشیع در میان کشورهای عربی مشغول و تحت نظارت مستقیم آیت‌الله سیستانی و مسئولین محترم حرم مطهر امام حسین(ع) اداره می‌گیرد.

پنج سال پیش، یکی از رجال سیاسی ایران، که سالها مسئول بالارترتبه نظام بوده از اینجانب خواستار راه‌اندازی یک کانال تلویزیونی ماهواره‌ای خصوصی شد. این کانال راه‌اندازی شده اما به دلیل اعلام نظر صریح شورای امنیت ملی ایران مبتنی بر غیر قانونی بودن فعالیت این کانال، از بروری آنتن رفتن برنامه‌های آن خودداری نمودم و کلیه خسارات مالی ناشی از این اقوام را نیز بر عهده گرفتم بازجویان وزارت اطلاعات بدون توجه به پایبندی اینجانب به قانون آن را نیز به‌عنوان اتهام دیگر وارد آوردند.

در آخر، ارتباطات وسیع کاری اینجانب با مسئولین دولتی و حکومتی کشورهای عراق و امارات متحده عربی، که در راستای راه‌اندازی کانال کربلا ایجاد گردیده بود و ارتباطی با ایران نداشت، نیز به‌عنوان جاسوسی مطرح نمودند، که در تمام بازجوییها

ضمن پاسخگویی صادقانه به سؤالات مطرح شده از قبول کلیه اتهامات وارده خود را  
مبرا دانسته و می‌دانم.

در تاریخ ۱۲ مرداد ۸۸ بازجویان نسخه‌ای از روزنامه کیهان را به سلول انفرادی ۱۰۵  
فرستاده، که در آن اعترافات برخی از مهره‌های سرشناس جناح اصلاح طلب در دادگاه  
علنی درج شده بود و متهم که از بدو دستگیری هیچ دسترسی به روزنامه یاهرگونه  
خبری از وقایع خارج از زندان نداشتم با واقع به مطالعه آن پرداختم در همان شب،  
بازجویان من را تهدید نمودند که به نظر آنها من هیچگونه همکاری نکرده‌ام و لذا آنها  
حکم حد من را گرفته، و در صورت ادامه عدم همکاری، اینجانب را جهت «پذیرایی» و  
اجرای حد به زیرزمین بازداشتگاه ۲۰۹ اعزام خواهند نمود.

این جلسه ساعتها به طول انجامید و سرانجام هراس از حبس طولانی و غیرقانونی  
در قفسی که نام آن را سلول انفرادی نهاده و در آن برای کوچکترین نیازهای انسانی،  
همانند توالی رفتن نیز نیازمند لطف و کرم نگهبانان بودیم که آنها می‌توانستند ساعتها  
متهم زندانی را تحت فشارهای معده، روده و مثانه منتظر و علل بگذارند و یا حتی با  
لجبازی کاری کند که متهم در مدفوع و ادرار خود بغلطد، اجباراً تن به خواسته آنها دام.

اعتقاد راسخ داشتم که بالاخره روزی قانون‌گریزی و تبانی برای اجرای این طرح  
توطئه‌آمیز وزارت اطلاعات بر ملا خواهد شد. و لذا برای رهائی از اسارت خود آماده  
همکاری با آنها شدم آنچه که فکر نمی‌کردم پافشاری وزارت اطلاعات بر حبس دائم و  
بدون مرخصی اینجانب جهت جلوگیری از افشای این ضیافت بزرگ بود.

از فردای آنروز، جلسات بازجوئی تبدیل گشت به جلسات توجیهی و تمرین متن دفاعیات کذب و ساخته و پرداخته بازجویان وزارت اطلاعات در مدت کمتر از یک هفته سه بار در مقابل دوربینهای فیلمبرداری به قرائت متن تهیه شده پرداختم و بنا به نظر بازجویان، و افرادی که اکنون به آنها ملحق شده اما به دلیل داشتن چشم‌بند هیچگاه چهره آنها را ندیدم، کسر و اضافه نمودن مطالب به متن انجام پذیرفت سپس در روز جمعه ۱۶ مرداد ۸۸ که مصادف بود با نیمه شعبان و ولادت حضرت امام زمان، من را به کاخ دادگستری منتقل نمودند. کاخ دادگستری تعطیل بود اما من و ۹ زندانی دیگر که همه لباسهای فرم بازداشتگاه ۲۰۹ به تن داشتیم به همراه تعداد کثیری از مأمورین عملیاتی وزارت اطلاعات وارد سالن دادگاه شده و در مقابل نمایندگان دادستان وقت و نمایندگان وزارت اطلاعات و در مقابل دوربینهای صدا و سیما که توسط خبرگزاران سازمان آقای شمشادی، همراهی می‌شد به قرائت متن از پیش تعیین شده پرداختیم که صدا و سیما در یک اقدام ناشایست، غیر اسلامی و غیرقانونی، اقدام به پخش این تمرین نمایشی و اجباری در برنامه ۸:۳۰ کانال دو خود نمود.

از میان ده نفر حاضر در جلسه تمرینی در کاخ دادگستری، پنج نفر جهت حضور در دادگاه نمایشی و فرمایشی روز شنبه ۱۷ مرداد ۸۸، معروف به دادگاه بیگانگان انتخاب شدیم این دادگاه نمایشی بود، چون برای اجرای نقش در آن تمرین شده بود و فرمایشی از آن جهت که متون قرائت شده در آن دادگاه از پیش تعیین گردیده بود.

شنبه صبح من در جوار خانم رئیس، متهم تبعه فرانسه، توسط یک اتومبیل شخصی و همراه نیروهای عملیاتی وزارت اطلاعات مجدداً به کاخ دادگستری منتقل گشتم تا توسط قاضی صلواتی، قاضی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، در مقابل دوربینهای صدا و سیما و حضور خبرنگاران و عکاسان جراید، به صورت علنی، اصطلاحاً محاکمه شویم، که رسانه‌ای نمودن و پخش گسترده نام و بهره اینجانب از صدا و سیما و کلیه جراید مملکتی، آن هم قبل از اثبات جرم، خلاف شرع و نصب صریح قانون و اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده و موجب هتک حرمت و حیثیت متهم شده لذا غیرقانونی است و قابل پیگرد قانونی خاطیان به خصوص، که در یک تبانی توطئه‌آمیز فیما بین نهادهای مختلف امنیتی، قضائی و صدا و سیمای جمهوری اسلامی، در راستای گمراه نمودن افکار عمومی و دیدگاه مسئولین مملکتی بر یک واقعه، که تبعات وسیعی در امنیت کشور داشت انجام پذیرفته است، که این خود آشکارا اقدام علیه امنیت ملی از طریق اجتماع و تبانی می‌باشد.

در این دادگاه نمایشی و فرمایشی قاضی صلواتی با دروغی محض دادگاه محاکمه را رسماً آغاز نمود. وی در مقابل دوربینهای صدا و سیما و خبرنگاران اعلام نمود که: «متهمان وکیل مدافع داشته، با وکلای خود ملاقات نموده و وکلا پرونده موکلین را بررسی نموده‌اند» این سخن قاضی حداقل در مورد من صحت نداشت، زیرا نه فقط از داشتن وکیل محروم مانده بودم، و با هیچ وکیلی ملاقات نکرده بودم، اصولاً حتی بازپرسی نیز نشده (مگر آنکه بازپرس با چشم بند انجام می‌پذیرد) و آیین دادرسی در

مورد اینجانب رعایت نگشته بود. در آن دادگاه من فردی را که قرار بود با اجبار دادگاه

به‌عنوان وکیل تسخیری داشته باشم برای اولین بار دیدم

آیا این دادگاه، با این شرایط، نقش کلیه حقوق انسانی، و قانونی من نبوده است؟ آیا

دلایل بیشتری برای درخواست اعاده دادرسی نیاز است؟ آیا قوه قضائیه جمهوری

اسلامی از این تبانی آگاه نبوده است؟

در این دادگاه به قرائت متن از پیش تهیه شده پرداختم، که البته بخشهای از آن را

تحت بهانه فراموشی بیان نکردم، اما در کل به جای دفاع از خود به تأیید اتهامات وارده

در کیفرخواست علیه خود پرداختم و در اینجا اذعان دارم که طبق ماده ۳۸ قانون اساسی،

چون این اقراریر تحت فشار و اجبار بیان گردیده، فاقد هرگونه ارزش و اعتبار بوده و

می‌باشد.

پس از دادگاه به همراه خانم رئیس و مجزا از دیگران متهمان مجدداً به گوانتاناموی

ایران، یعنی بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات منتقل گشتیم و همان روز اینجانب، پس از

۴۳ روز حبس از سلول انفرادی به سلول ۵۲، که دو برابر سلول قبلی وسعت داشت ولی

۳ متهم در آن محبوس بودند انتقال داده شدم

چهل روز بعد، به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب احضار شدم و در آنجا قاضی صلواتی در

حضور وکیل تعیین شده توسط آن دادگاه، برگه وکالت وکیل تسخیری را جهت امضاء به

من داد، که من با بیان اینکه وکیل مدافع دارم و میل دارم وکیل منتخب خودم وکالت من را

به عهده گیرد از امضای آن ا متناع ورزیدم قاضی صلواتی اعلام نمود که هیچ وکیل

دیگری را اجازه ورود در پرونده نخواهد داد و در صورت امتناع از قبول وکیل تسخیری، جلسه بعدی رسیدگی به پرونده من شش ماه به تعویق خواهد افتاد. لذا اجباراً و برای جلوگیری از تمدید زمان حبس، وکیل تعیین شده از سوی دادگاه را به وکالت خود قبول نمودم.

سپس تنها یک سؤال کتبی از من، به عنوان آخرین دفاع شده و آن این بود شما متهم به جاسوسی می باشید. چه دفاعی دارید؟ لذا من به بیان دفاعیه و رد اتهام پرداختم که توسط وکیل تعیین شده از سوی دادگاه که هنوز پرونده اینجانب را مطالعه ننموده و نمی توانست کمکی به من نماید، در برگه دفاعیه درج گردید آنگاه که به عدم توجه قاضی به آئین دادرسی و نحوه گرفتن اقرار کذب اعتراض نمودم، از دفتر دادگاه اخراج شدم.

آری، جناب آقای آیت الله لاریجانی

اینجانب بدون رعایت، آیین دادرسی، بدون بازپرسی و بدون داشتن وکیل مدافع در ضمن شرایطی محاکمه و محکوم گردیده ام شما بفرمائید که یک انسان بی گناه یک شهروند معترض که در حین بازجوئی با چشم بند، با ضربات سیلی و مشتت بازجویان چپ و راست می شود و مجبور به اعتراف دروغ علیه خود می شود و چشم امید به قوه دادگستر قضائی دوخته است، با دیدن اینگونه دادگاهها و رفتار و اعمال خلاف شئون و شرافت قضائی قاضی و از رسیدن به حق و حقوق خود ناامید می شود. چه باید بکند و به کدام مرجع صالحه شکوائیه ببرد؟

با نوشتن این نامه، می‌خواهم که راست و دروغ در مقابل چشمان شما و دیگر مسئولین کلاویز شوند، چه همه می‌دانند که اگر مواجهه در میدان باز و عادلانه صورت بگیرد. حقیقت دروغ را شکست خواهد داد.

در اوایل آبان ۸۸ مجدداً به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب احضار و حکم محکومیت به جرم جاسوسی به رویت من رسید و از حبس قطعی ۷ ساله و ممنوع‌الخروج ۵ سال پس از تحمل حبس در حکم ناعادلانه علیه خود آگاه شدم که بدان اعتراض نمود.

ده روز پس از رویت رای آقای دادستان جعفری دولت‌آبادی به ملاقات من در بازداشتگاه ۲۰۹ آمد و من اظهار داشتم که هنوز فرصت مطالعه دادنامه و آماده نمودن لایحه دفاعیه جهت تجدیدنظر خواهی نداشتم و از وی خواستم اقدامی مبذول دارد تا با وکیل منتخب خود ملاقات نموده و لایحه دفاعیه جهت تجدیدنظر خواهی را آماده و قبل از پایان ۲۰ روز مهلت قانونی ارائه نمایم.

این امر دو روز قبل از پایان مهلت قانونی امکانپذیر شد و وکیل تسخیری به جای وکیل منتخب اینجانب، با در دست داشتن یک یادداشت خطی از دادنامه، که از ارائه آن به من امتناع ورزید، اجازه ملاقات دو ساعته با من پیدا نمود. تا من ظرف دو ساعت در یک مورد یک پرونده حیاتی و حیثیتی با این وسعت اتهامات، به اظهار و درج دفاعیات لایحه تجدیدنظرخواهی بپردازم، که این امر عملاً توسط خود من انجام پذیرفت.

پس از ۱۵۰ روز حبس در بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات، در اوایل آذرماه ۸۸ به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل و در سلول ۵ محبوس گردیدم حکم تجدیدنظر در ۱۲ بهمن ۸۸ به

رویت من رسید. در این حکم جرم اینجانب از ماده ۵۰۱، یعنی جاسوسی، به ماده ۶۱۰، یعنی اقدام علیه امنیت ملی از طریق اجتماع و تبانی، و زمان حبس از ۷ سال به ۴ سال تغییر کرد، گرچه ممنوع الخروجی بر جای خود استوار ماند. برای من جای بسی مسرت بود که جرم جاسوسی از روی من برداشته شده بود. گرچه جرم جدید از سوی قاضی به من تفهیم نشده و امکان دفاع از این اتهام را نداشته‌ام اما با توجه به روند غیرقانونی پرونده اینجانب این نیز دیگر امر غریبی نبود.

اکنون که از حسینیه سالن ۸، بند ۳، زندان رجائی شهر کرج، که تبعیدگاه غیرقانونی اینجانب می‌باشد، برای شما این نامه را می‌نویسم، بیش از یک سال است که در زندانهای جمهوری اسلامی محبوس می‌باشم. اکنون که سکوت شکستام از شما انتظار دارم بگوئید که حق و حقوق من به‌عنوان یک شهروند چه بوده و چگونه پایمال شده است؟ چگونه یک شهروند معترض هتک حرمت می‌شود حیثت و آبروی وی زیر پا له می‌شود، جاسوس بیگانه خوانده شده و در کلیه جرایم و صدا و سیما با ذکر اتهام، نام و تصویر رسانه‌ای می‌شود، تبانی گر علیه امنیت ملی خوانده می‌شود. و هیچ دادرسی در ایرن ملک کهن که مدعی اسلامگری می‌باشد، به ظلم واقع شده علیه وی رسیدگی نمی‌نماید.

حال که آنچه بسیاری میل داشتند از دیدگان مخفی بماند بیان گردید، و شما به‌عنوان قاضی القضاات از حقیقت آگاه گردیده‌اید، وظیفه انسانی، شرعی و قانونی رسیدگی و حفظ منافع حقوقی و انسانی اینجانب بر عهده شما می‌باشد. از شما تقاضا دارم ضمن رسیدگی عاجلانه و عادلانه به اظهارات مندرج در این نامه، ضمنی بررسی پرونده، به تقاضاها و

شکوائیه مندرج در این تظلم خواهی ترتیب اثر داده و با رعایت بی طرفی اجازه دهید حقیقت آشکار گردد و دستور مقتضی در مورد موارد ذیل مبذول بفرمائید:

۱- تقاضا دارم دستور بفرمائید پرونده اینجانب، به دلیل نقایص در آیین دادرسی،

جهت اعاده دادرسی به محکمه صالحه ارسال تا به صورت علنی و با حضور

خبرنگاران تشکیل گردد تا اینجانب بتوانم به همراه وکیل مدافع منتخب خود به دفاع از

خود و اعاده حیثیت بپردازم.

۲- تقاضا دارم تا زمان تشکیل این محکمه دستور توقف اجرای حکم را صادر نموده

تا ضمن داشتن وقت و زمان کافی اقدام به جمع آوری اسناد و مدارک و احضار شهود

در راستای اثبات بی گناهی خود نمایم.

۳- تقاضای رسیدگی به شکایت اینجانب علیه وزارت اطلاعات، آمرین و عاملین

اجرای این تبانی در راستای پایمال نمودن حقوق اینجانب، اجبار به اقرار کذب و

استفاده از آن برای گمراه نمودن افکار عمومی و هتک حرمت و حیثیت ضمن

درخواست جبران خسارات مالی و معنوی، درخواست مجازات خاطیان در دادگاه

صالحه را دارم.

۴- تقاضای رسیدگی به شکایت اینجانب علیه قاضی صلواتی که موجبات اجرای این

تبانی، و رسانه ای نمودن اتهامات، نام و چهره اینجانب قبل از اثبات جرم که به هتک

حرمت و حیثیت اینجانب منجر گردید و عدم توجه به اجرای دقیق آئین دادرسی، رفتار

و عمل خلاف شئون و شرافت قضائی، جلوگیری متهم از داشتن وکیل مدافع منتخب

خود، صدور رای غیر مستند و غیر مستدل به جبران خسارات مادی و معنوی وارده و مجازات خاطی را دارم.

۵- تقاضای رسیدگی به شکایت اینجانب علیه صدا و سیمای جمهوری اسلامی، که با پخش بازجوییها و اعترافات کذب و تحت فشار و برخلاف رضایت اینجانب، و رسانه‌ای نمودن چهره، نام و اتهامات اینجانب قبل از اتهامات اینجانب قبل از اثبات جرم را فراهم آورده است، و جبران خسارات مالی و معنوی وارده و ایجاد امکان استفاده از زمانی مساوی جهت اعاده حیثیت، و مجازات خاطیان، در دادگاه صالحه، اقدام فرمائید.

۶- تقاضای دستور مقتضی جهت رفع موانع موجود در راستای تعیین و ملاقات وکیل مدافع و تهیه و تنظیم موارد مطروحه به صورت حقوقی و ارائه آن به قوه قضائیه را فراهم نمائید. دارم.

۷- تقاضای دستور مقتضی قضائی جهت بازگرداندن اموال ضبط شده اینجانب توسط ضابطین قوه قضائیه، که ارزش مالی آن حدوداً ۲۰ میلیون تومان می‌باشد، که شامل تعدادی دوربینهای عکاسی و فیلمبرداری و کامپیوترهای متعدد و تعدادی موبایل و.. می‌باشد. در کنار بازگرداندن شناسنامه کارت ملی، کارت معافیت از خدمت، گذرنامه، بیش از ۶ کارت بانکی بین‌المللی و کارتهای اعتباری و اسناد و مدارک شخصی و حافظه‌های کامپیوتری شامل تصاویر خانوادگی تجربه حسب قانون وصیت‌نامه آیت‌الله خمینی ورود به حریم خصوصی افراد، و جرم می‌باشد، در اسرع وقت فراهم نمائید.

۸- تقاضای دستور مقتضی قضائی در راستای منع و پیشگیری ضابطین قضائی در استفاده یا سوء استفاده از عکسها و تصاویر خانوادگی و خصوصی اینجانب که در ضبط آنها می‌باشد، در راستای هرگونه سوء استفاده و سناریوسازی و سعی در سیاه نمایی و سوء استفاده در جراید، و صدا و سیما، به قصد تخریب شخصیتی و زیرسؤال بردن مسائل مطروحه در این نامه و پایمال نمودن حقوق شاکی، را اکیداً صادر نمایند که عدم رعایت این امر پیگرد قانونی آنها را در پی خواهد داشت.

جناب آیت‌الله آملی لاریجانی

می‌دانم که نقض حقوق اساسی، انسانی و قانونی اینجانب قبل از نشستن شما بر مسند ریاست، قوه قضائیه شکل گرفته است و ناآگاهی شما در مورد این مظالم امری است قابل قبول و اتهامی را متوجه شما ننموده و نمی‌نماید و اصولاً معتقد هستم که این تبانی پنهان از چشم مسئولین عالیرتبه و توسط عده‌ای خاص و خودسرانجام پذیرفته است اما حال که این اظهارات به سمع و نظر جنابعالی رسید، انتظار می‌رود در رفع ظلم و اجرای عدالت اقدام عاجلانه و مقتضی به عمل آورید. هرگونه تعلل، یا اقدام به جلوگیری از اجرای عدالت، از طریق عدم اعتنا به درخواستهای مندرج، یا از طریق انتقال اینجانب به مکان نامعلوم یا قطع ارتباط اینجانب با خانواده به معنی عدم امکان اعاده حق و حیثیت اینجانب از سوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی تلقی گردیده و لذا این حق را بر اینجانب و خانواده ساکن خارج از کشور من وارد و محفوظ دانسته تا از کلیه طرق در راستای رسیدگی و اجرای عدالت در مورد اینجانب در کلیه مراجع و مجامع صالحه بین‌المللی به

اقامه دعوا و شکایت به هر نحو که صلاح دیده شود، علیه ظلم وارده نمائیم امید آن است که شاهد اجرای عدالت در وطن خود باشیم و به امید سرافرازی روزافزون و سعادت ایرانیان و ایران زمین، منتظر اقدامات عاجزانه جنابعالی می‌باشم.

رضا رفیعی فروشان

زندانی در بند ۳ سالن ۸- زندان رجائی شهر- کرج- استان البرز- ایران

رونوشت‌ها:

مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، جهت استحضار و اقدام

شایسته

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی جهت اقدام شایسته

دیوان عالی کشور جهت اقدام شایسته

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.